

اشکال: آیا همهٔ جنس بشر خلیفه هستند؟! فرمودهٔ خداوند متعال: (و چون پروردگار توبه فرشتگان گفت: «من در زمین جانشینی خواهم گماشت»، [فرشتگان] گفتند: «آیا کسی را در آن می‌گماری که فساد انگیزد و خون‌ها بریزد؟ و حال آنکه ما با ستایش تو، [تو را] تنزیه می‌کنیم؛ و به تقدیست می‌پردازیم.» فرمود: «من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید».) (بقره، ۳۰)

این آیهٔ شریفه دلالت بر این دارد که منصب خلافت یا امامت، جعل و تنصیب از سوی خداوند متعال است. حضرت آدم(ع) از سوی خداوند متعال در زمین به‌عنوان خلیفه برگزیده شد و چیزی که بر امامت و استخلاف حجج الهی دلالت دارد نه استخلاف عام بشر– چیزی است که در آیات دیگر بدان اشاره شده و آن این است که خلیفه در آیهٔ مبارکه به علمی مسلح شد که حتی ملائکه آن را در اختیار نداشتند.

خداوند فرمود: (و [خدا] همهٔ نام‌ها را به آدم آموخت؛ سپس آن‌ها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود: «اگر راست می‌گویید، از اسمی این‌ها به من خبر دهید.») (بقره، ۳۱)

معلوم است که بنی‌آدم همهٔ این علم را در اختیار ندارند و چگونه به این قائل باشیم در حالی که از میان آنان کسانی هستند که مانند حیوانات هستند، بلکه پست‌ترند.

(یا گمان داری که بیشترشان می‌شنوند یا می‌اندیشند؟ آنان جز مانند ستوران نیستند؛ بلکه گمراه‌ترند.) (فرقان، ۴۴)

همان گونه که واضح است امر سجود به خلیفه که سجود اطاعت بود نه سجود عبادت، دلالت بر این دارد که اطاعت از او حتی برای ملائکه واجب است.

خداوند می‌فرماید: (پس چون او را [کاملاً] درست کردم و از روح خویش در آن دمیدم، سجده‌کنان برای او [به خاک] بیفتید.) (ص، ۷۲)

تعبیر قرآنی که با صیغهٔ اسم فاعل (جاعل) آمده است و خبر (آن) است، دلالت بر این دارد که خلیفه در هر

زمان وجود دارد و زمان خالی از خلیفه نیست. چون صیغهٔ فاعل (جاعل) به‌منزلهٔ فعل مضارع است که برای استمرار استفاده می‌شود.

شاید گفته شود در اینجا خلافت تنها برای حضرت آدم(ع) به‌دلیل اینکه پیامبر بود صدق می‌کند و در نتیجه به غیر از پیامبر را شامل نمی‌شود.

می‌گوییم: این‌گونه برداشت، با آنچه ثابت شد که «خلافت در هر زمان مستمر است» منافات دارد؛ در حالی که نبوت از سوی خداوند منقطع شده است. هرکس قائل به این باشد که مقصود از خلیفه، همهٔ انسان‌هاست بر اساس این آیهٔ نظر خود را داده است: (خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته

بعد از آنکه به‌سوی ما آمدی مورد آزار قرار گرفتیم.» گفت: «امید است که پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند و شما را روی زمین جانشین [آنان] سازد؛ آنگاه بنگرد تا چگونه عمل می‌کنید.) (اعراف، ۱۲۸ و ۱۲۹) پرواضح است که این آیه نیز به خلافت مؤمنان در زمین اشاره دارد؛ یعنی نفوذ آن‌ها در زمین بعد از به هلاکت‌رساندن کافران را شرح می‌دهد؛ همچنین حضرت موسی به مؤمنان بشارت می‌دهد که اگر صبر پیشه کنند خداوند این‌گونه برایشان تمکین انجام می‌دهد.

آیهٔ دیگری که تصور می‌شود به خلیفه‌بودن همهٔ گونه بشر دلالت دارد این آیه است:



(و پروردگار تو بی‌نیاز و صاحب رحمت است. اگر بخواهد شما را می‌برد، و پس از شما، هرکه را بخواهد جانشین [شما] می‌کند؛ همچنان که شما را از نسل گروهی دیگر پدید آورده است.) (انعام، ۱۳۳) و فرمودهٔ خداوند: (آنگاه شما را پس از آنان در زمین جانشین قرار دادیم تا بنگریم چگونه رفتار می‌کنید) (یونس، ۱۴)

و مراد از آن خلافت قومی به‌جای قومی دیگر است، نه خلافت خداوند در زمین.

و در آیهٔ بعد مؤمنان به‌جای ظالمان در دیار آن‌ها به خلافت می‌رسند؛ یعنی بعد از آن‌ها.

در این آیه، خداوند به اموالی که مؤمنان را بر آن‌ها استخلاف داده اشاره دارد: (به خدا و پیامبر او ایمان آورید، و از آنچه شما را در [استفاده از] آن، جانشین [دیگران] کرده، انفاق کنید. پس کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کرده باشند، پاداش بزرگی خواهند

کلام

از امام باقر(ع) این معنا روایت شده است: «اگر می‌خواستیم، توحید را از صمد منتشر می‌ساختیم.» معنای این حدیث چیست و چطور ممکن است توحید از صمد منتشر شود؟

پاسخ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. صمد کسی است که در نیازها آهنگ او کنند. او مالا مال از کمال است، پس حد و مرزی ندارد. اگر انسان عاقل بیمار شود، به‌غیر از خدای شفا دهنده به چه کسی رو می‌کند؟ و اگر گرسنه یا تشنه شود یا به فقر مبتلا گردد، به‌غیر از غنی رو به‌سوی چه کسی می‌کند؟ و اگر نداند، به غیر از علیم رو به‌سوی چه کسی می‌کند؟ و اگر به خشم آید، به‌جز حلیم رو به‌سوی چه کسی می‌کند؟ و اگر... و اگر... و اگر بخواهد نقص‌های خود را از هر جهت جبران کند، غیر از منبع کمالی که بخشش بسیارش جز جود و کرم بر او نیفزاید، رو به‌سوی چه کسی می‌آورد؟ بنابراین بندهٔ قصدکننده، از صمد، راه‌رفتن به‌سوی خداوند سبحان و متعال را می‌شناسد.

خداوند، حلیم، کریم، رئوف، غفار، قادر، قهار، جبار، غنی، علیم و حکیم است و همهٔ نام‌های خداوند سبحان و متعال که اراده کرده خلقش را از آن‌ها آگاه سازد. پس او سبحان و متعال، صمد است؛ یعنی کسی که در تمام این نام‌ها و صفات قصد می‌شود.

(سید احمد الحسن رحمته‌الله، متشابهات، ج ۲، ص ۳۸)

می‌فرماید فلان اعمال عبادی را انجام دهید و در خوابتان پیامبر را خواهید دید. آیا اعتراض‌کننده معتقد است در صورتی که معصوم را ندیده‌ایم، شیطان به‌شکل ایشان در خواهد آمد؟!

آیا به نظرش سبب اینکه شیطان به چهرهٔ ایشان در نمی‌آید، شناخت یا مشاهدهٔ ما نسبت به صورت‌های ایشان است یا سبب، خود صورت‌های مقدسشان است؟! (وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدَرِهِ) (و خدا را چنان که باید نشناختند.) (انعام، ۹۱)

و بحث را با روایتی که بر حجیت رؤیا دلالت دارد، خاتمه خواهیم داد؛ پس هرکه خواست، ایمان آورد و هرکه خواست، کافر شود؛ لذا روایت واردشده از امام رضا(ع) طولانی است و آن را به‌اختصار ذکر خواهیم کرد.

امام رضا(ع) فرمودند: «إِنَّ الْأَحْلَامَ لَمْ تَكُنْ فِي مَا مَضَى فِي أَوَّلِ الْخَلْقِ وَ إِنَّمَا حَدَّثَتْ فَقُلْتُ: وَ مَا الْعِلَةُ فِي ذَلِكَ؟ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ ذَكَرَهُ بَعَثَ رَسُولًا إِلَى أَهْلِ زَمَانِهِ فِدَاعَهُمْ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ وَ طَاعَتِهِ فَقَالُوا: إِنَّا فَعَلْنَا ذَلِكَ فَمَا لَنَا؟ فَقَالَهُ مَا أَنْتَ بِأَكْثَرْنَا مَا لَا وَ بَأَعَزَّنَا عَشِيرَةَ فَقَالَ: إِنَّا أَطَعْتُمُونِي أَدْخَلَكُمْ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَ إِنَّا عَصَيْتُمُونِي أَدْخَلَكُمْ اللَّهُ النَّارَ. فَقَالُوا: وَ مَا الْجَنَّةُ وَ مَا النَّارُ؟ فَوصف لهم ذلك فقالوا: متى نصير إلى ذلك؟ فقال إذا مَتم. فقالوا: لقد رأينا أمواتنا صاروا عظاماً و رفاتاً، فازدادوا له تكذيباً و به‌استخفافاً فأحدث الله عزوجل فيهم الأحلام فأثابوا فأخبروه بما رأوا و

ما أنكروا من ذلك. فقال: إن الله عز ذكره أراد أن يَحْتِجَّ عليكم بهذا، هَكَذَا تَكُونُ أرواحكم إذا مَتم و إن بليت أبدانكم تصير الأرواح إلى عقاب حتى تبعث الأبدان» «رؤیا در گذشته و در ابتدای خلقت نبود و بعدها پدید آمد. راوی پرسید: علت این امر چیست؟ امام(ع) فرمود: خدای متعال رسولی را به‌سوی اهل زمان خود مبعوث فرمود. او هم مردم را به عبادت و اطاعت خدا دعوت کرد. مردم گفتند اگر دعوت تو را اجابت کنیم برای ما چه نفعی دارد؟ تو که از نظر مال و عشیره بر ما برتری نداری؟ آن پیامبر فرمود: اگر از من اطاعت کنی خدا شما را وارد بهشت می‌کند و اگر نافرمانی کنی خدا شما را وارد جهنم می‌کند. گفتند بهشت و جهنم چیست؟ بهشت و جهنم را برایشان توصیف فرمود. گفتند چه وقت به آنجا می‌رویم؟ فرمود وقتی مُردید. گفتند: ما مردگان خود را می‌بینیم که استخوانی از آن‌ها مانده است، پس بر تکذیب او افزودند؛ و به سبک‌شمردن پیامبرشان پرداختند. خداوند عزوجل خواب‌دیدن را بر آن‌ها مقرر داشت. مردم به نزد پیامبرشان آمدند و از آنچه می‌دیدند و برایشان ناشناخته بود پرسیدند. فرمود خدای متعال اراده کرد که این گونه بر شما احتجاج کند تا بداند ارواح شما این‌گونه است و بعد از مرگ روح شما در عذاب است تا وقتی که برانگیخته شوید.» (بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۴۳)

پس خداوند رؤیا را به وجود آورد تا حجتی بر خلق باشد.

و الحمد لله رب العالمین.

(دکتر عبدالرزاق دبرای، رد گزافه‌گویی‌های معاندین، ج ۲، ص ۷۴)



در قسمت قبلی مقاله، چهار اشکال و شبهه بر رؤیا بررسی شد. نویسنده در ادامه به اشکال پنجم می‌پردازد و می‌نویسد:

۵. برخی از جمله شیخ بشیر نجفی– اعتراض می‌کنند و می‌گویند: کدام‌یک از شما پیامبر یا امام را در این عالم دیده است تا مطمئن شود کسی که در رؤیا دیده، همان معصوم است؟!

می‌گوییم: این کلام عجیب و غریبی است! کدام‌یک از اصحاب امام صادق(ع) پیامبر(ص) را دیده است که به آنان

حقیقت ماجرای آفرینش آدم علیه السلام



سید احمدالحسن(ع) در فصل سوم کتاب توهّم بی‌خدایی، به تبیین چگونگی آفرینش حضرت آدم(ع) بر مبنای آیات قرآن کریم و روایات پدران بزرگوارشان علیهم‌السلام می‌پردازند.

خداوند متعال آفرینش آدم را در آسمان اول (آسمان انفس) آغاز نمود؛ ولی برای اینکه آدم و فرزندان او برای نازل شدن به زمین و متصل شدن به جسم سازگاری داشته باشند، می‌بایست گل به آسمان اول بالا برده می‌شد (مرفوع می‌شد) و سپس نفس آدم(ع) و سایر مردم از آن خلق می‌شد. انجام این کار ضروری بود؛ چراکه روح در این گل مرفوع مستقر شد و این گل رفع شده خود وسیله ارتباط و اتصال روح با جسد گردید. از سوی دیگر روح نمی‌تواند جسد را لمس کند؛ زیرا این دو، در دو عالم مختلف و از دو جهان متفاوت هستند و بینشان عوالم متعددی قرار دارد؛ بنابراین وجود وسیله‌ای برای این تماس لازم است؛ وسیله‌ای که در تمام مراتب نزولی و عوالم بین آسمان جسمانی و آسمان اول وجود داشته باشد و زمانی که جسم بالا برده می‌شود (مرفوع می‌شود) این مراتب را داشته باشد و در حدود آن حرکت کند.

به این ترتیب گلی که رفع داده شد (که تمثیلی از هرچیز در زمین است) این فرصت برایش فراهم شد که بتواند بین دو عالم اجساد و ارواح حرکت کند، یا بین عالم اجساد در ابتدای آسمان اول تا رسیدن به محل تماس با آسمان دوم، یا همان عالم ارواح در ابتدای آسمان دوم (آسمان روح و بهشت ملکوتی). امام باقر(ع) می‌فرماید: «خداوند بشر را خلق کرد و چهل سال او به همان صورت باقی بود. ابلیس ملعون بر او می‌گذشت و می‌گفت: برای چه خلق شده‌ای؟»

خداوند می‌فرماید: (فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى) (گفتیم: ای آدم، این دشمن تو و همسر توست. شما را از بهشت بیرون نکند که نگویند بخت شوی).

سپس هنگامی که زمین برای استقبال از آدم(ع) به‌عنوان خلیفه و جانشین خداوند آماده شد، خداوند سبحان و متعال روح ایمان را در جسد مثالی آدم که در آسمان اول بود دمید، و نفس نخستین انسان به

وجود آمد؛ همان طور که در قرآن آمده است: (فَإِذَا سَوَّيْتُهُ...) (چون آفرینشش را به پایان بردم...) و نیز: (وَلَقَدْ خَلَقْنَاكَ) (و شما را بیافریدیم) و این، در عالم انفس یا آسمان اول بود.

سپس خداوند روح القدس را در آدمی دمید؛ همان طور که حق تعالی می‌فرماید: (... وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي) (و از روح خود در آن دمیدم) و نیز: (ثُمَّ صَوَّرْنَاهُكُمْ) (سپس شما را صورت بخشیدیم) یعنی شما را به‌صورت خدا، صورت دادیم؛ همان طور که در تورات نیز آمده است: (۲۶) سرانجام خدا فرمود انسان را به‌صورت خود، شبیه خود بسازیم... ۲۷ پس خدا انسان را شبیه خود (بر صورت خود) آفرید. او را به‌صورت خدا آفرید. او انسان را از زن و مرد خلق کرد). (عهد قدیم، سفر پیدایش، اصحاح ۱، ۲۶ و ۲۷)

خداوند ملائکه را به سجده برای آدم فرمان داد. خداوند متعال می‌فرماید: (فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ) (در برابر او به سجده بیفتید) و نیز: (ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ) (آنگاه به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده کنید)، سجده کننده، سجده کرد و متکبر، تکبر ورزید و طرد شد.

سپس خداوند متعال نفس حوا را از نفس آدم آفرید. خداوند متعال می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا) (ای مردم، بترسید از پروردگارتان، آن‌که شما را از یک نفس بیافرید و از آن نفس، همسر او را و از آن دو، مردان و زنان بسیار پدید آورد و بترسید از آن خدایی که با سوگند به نام او از یکدیگر چیزی می‌خواهید، و زنهار از خویشاوندان مبرید؛ هر آینه خدا مراقب شماست).

از امام صادق(ع) نقل شده که فرمود: «**خداوند متعال، آدم را از گل و حوا را از آدم آفرید.**» سپس فرزندان این دو را بیرون آورد و همه آن‌ها را با نخستین امتحان در عالم ذر (عالم نفس‌ها) آزمود. این امتحان تنها یک پرسش بیشتر نبود: (وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ) (و آن هنگام که

پروردگار تو از پشت بنی آدم فرزندان‌شان را بیرون آورد و آنان را بر خودشان گواه گرفت و پرسید: آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند: آری، گواهی می‌دهیم، تا در روز قیامت نگویید که ما از آن بی‌خبر بودیم). دلالت آیه روشن است و «وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ» یعنی در عالم نفس‌ها بوده است. پیشرو در امتحان و برنده مسابقه، اولین کسی است که ببیند و بشنود و اولین کسی نیز باشد که پاسخ بدهد.

با پایان یافتن این امتحان، خداوند چنین اراده کرد که آنچه را در علمش بوده است یعنی فروفرستادن آدم به زمین و آزمایش کردن وی در آن به اتمام رساند. **امتحان آدم در آسمان اول (بهشت دنیوی) صورت پذیرفت و همان طور که برایش چنین مقدر شده بود، در امتحان ناکام ماند:** (فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى) (از آن درخت خوردند و شرمگاهشان در نظرشان از دو سو پیدا شد و همچنان برگ درختان بهشت بر آن‌ها می‌چسباندند. آدم بر پروردگار خویش عصیان کرد، پس گمراه شد). بنابراین او و مادرمان حوا را به زمین فرود آورد. درود خدا بر آن دو باد و خداوند شفاعتشان را در دنیا و آخرت نصیب ما فرماید!

بیان قرآن به روشنی گویای آن است که آدم و حوا در بهشت موجود در آسمان اول خلق شده‌اند و در ابتدا در آنجا زندگی کرده‌اند. این بهشت، بهشت دنیوی است، ولی در زمین قرار ندارد؛ بلکه جای آن در آسمان اول یا عالم انفس است.

(فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى * إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى * وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَى * فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَا يَبُولُ * فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى) (گفتیم: ای آدم، این دشمن تو و همسر است. شما را از بهشت بیرون نکند که نگویند بخت شوی * که تو در بهشت نه گرسنه می‌شوی و نه برهنه می‌مانی * و نه تشنه می‌شوی و نه دچار تابش آفتاب * شیطان وسوسه‌اش کرد و گفت: ای آدم، آیا تو را به درخت جاودانی و ملکی زوال‌ناپذیر راه بنمایم؟

* از آن درخت خوردند و شرمگاهشان در نظرشان از دو سو پیدا شد و همچنان برگ درختان بهشت بر آن‌ها می‌چسباندند. آدم بر پروردگار خویش عصیان کرد، پس گمراه شد). آیات گویا هستند: حضرت آدم(ع) زمینی نبوده و ابتدا در زمین آفریده نشده؛ بلکه خلقت وی در بهشت موجود در آسمان اول صورت گرفته است؛ و این بهشت، غیر از بهشت خلد (بهشت جاویدان) است: (فَلَا يُخْرِجَنَّكَمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى) (شما را از بهشت بیرون نکند که نگویند بخت شوی) این بهشت همانند زمین نیست که اگر انسان در آن به کار نپردازد، میوه‌ها را جمع‌آوری نکند، به کشاورزی و صید مبادرت نوزد، دام‌پروری نکند و برای دفع ضرر، احتیاط نکند، ممکن است گرسنه، برهنه و تشنه شود و در معرض آفتاب قرار گیرد و خورشید و شرایط جوی او را بیازارد. بنابراین بهشت مزبور چیز دیگری است و زمینی نیست.

مفهوم آیات کاملاً روشن است. **هبوط آدم و حوا عبارت است از نزول از آسمان اول به آسمان جسمانی و به‌ویژه به‌سوی زمین.** امام صادق(ع) بیان فرمود که آدم بازگشت به بهشتی را درخواست کرد که در آن بود، و خداوند اجابت فرمود و این به‌وضوح بیان می‌کند که این بهشتی است که پس از جدایی نفس انسان از جسدش به‌وسیله مرگ، بار دیگر به آن وارد خواهد شد و همان طور که قبلاً در آن بوده، به آن بازخواهد گشت.

این داستان آفرینش حضرت آدم(ع) از گلی است که به آسمان اول بالا برده شد (رفع شد) و روح در آن دمیده شد؛ بنابراین **آدم در بهشت دنیوی واقع در آسمان اول آفریده شده است؛ پس ما آسمانی هستیم و نفس ما نیز از روح دمیده‌شده در گل مرفوع خلقت یافته است، تا در این زمین آزمایش و امتحان شویم و نفس‌ها بتوانند با جسم‌های زمینی که برای امتحان‌شان آماده می‌شدند، ارتباط و تماس داشته باشند.**

منابع:

سید احمدالحسن(ع)، توهّم بی‌خدایی

قرآن کریم

آیا کسی تردیدی دارد در اینکه قواعد نحوی دان‌ها که به تلاشی بسیار برای مسلط شدن نیاز دارند نمایانگر باری است سنگین که بیشتر مردم آن را بسیار تکلف‌آور و غیرضروری می‌دانند؟ چگونه چنین نباشد درحالی که ابن مضاء قرطبی- که خود یکی از نحویون اندلسی است، در کتاب خود «الرد علی النحاة» (پاسخ به نحویون) مطلبی با این مضمون بیان می‌کند که علمای نحو، زبان را قاعده‌مند ساخته و کلام اعراب را از مرتبه بلاغت دور کرده‌اند.

۱. علم «صرف» یا «ساخت‌واژه» (morphology) بخشی از دستور زبان است که ساختار واژه را تحلیل می‌کند. منبع: ویکی‌پدیای فارسی.
۲. زبان‌شناسان و نحوی‌دان‌ها از آنچه سلیقه یا طبیعت نام نهاده‌اند صحبت می‌کنند که از نظر اعراب به گفتار زبانشان با حرکات شناخته‌شده، بدون اشتباه یا انحراف شهره بوده است. من این را به‌عنوان یکی از افسانه‌هایی که علمای نحو نمی‌توانند آن را به اثبات برسانند در نظر می‌گیرم.
۳. خصائص، ابوالفتح عثمان بن جنی، با تحقیق محمدعلی نجار، المكتبة العلمية، ج ۱، ص ۴۹.

تکاملی در زبان را با عبارتی همچون «لحن» و «انحراف» برچسب می‌زنند و توجه ندارند که تغییر در زبان‌های مردم و سلیقه‌هایشان [۲] نتیجه طبیعی تکامل است.

جای شگفتی است که آن‌ها بسیاری از قواعدشان را با مقوله «سهولت» توجیه می‌کنند؛ به‌عنوان مثال می‌گویند: منصوبات در عربی بیش از مرفوعات است؛ زیرا زبان، فتحه را آسان‌تر از ضمه ادا می‌کند. ابن جنی در خصائص می‌گوید:

«ابواسحاق درباره رفع بودن فاعل و نصب بودن مفعول می‌گوید: این عمل تنها به دلیل تفاوت جایگاه میان آن دو صورت پذیرفته است. سپس وی از خود می‌پرسد: اگر سؤال شود که در صورت معکوس شدن وضعیت، آیا باز هم همین تفاوت وجود داشت، می‌گویم: آنچه انجام داده‌اند استوارتر است؛ زیرا فعل بیش از یک فاعل ندارد، درحالی‌که می‌تواند مفعول‌های بسیاری داشته باشد؛ بنابراین فاعل به دلیل اندک بودن، مرفوع و مفعول به دلیل بسیار بودن، منصوب شده است؛ تا آنچه در تکلم بر ایشان سنگینی می‌کرده است کاهش، و آنچه راحت و سبک بوده است افزایش داده شود.» [۳]

اما چگونه علمای نحو غافل شده‌اند یا خود را به نادانی زده‌اند که شاید زبان عربی به دلیل همان اصل «سهولت» مورد ادعا به سمت مخالفت با آنچه آن را «قواعد» می‌نامند رهسپار باشد!



نادیده گرفتن تکامل در علم نحو عربی

کسی نمی‌تواند انکار کند که زبان موجودی است رو به تکامل؛ و این تکامل در چهارچوب لغت‌نامه و «صرف» [۱] متوقف نمی‌شود؛ بلکه به‌طور قطع ساختار نحوی‌اش نیز گسترش می‌یابد. **شاید نادیده گرفتن یا بی‌توجهی به اصل تکامل، یکی از مهم‌ترین خصیصه‌هایی باشد که سیمای کلی لغزش نحویون عرب را به تصویر می‌کشد.** آن‌ها پدیده‌های

و این شهر را به‌خاطر خود و به‌خاطر بندهٔ خود، داوود حمایت خواهم کرد...» [۵]

همچنین می‌خوانیم:

۱) پس کلام خداوند بار دوم بر یونس نازل شده، گفت: ۲ «برخیز و به نینوا، شهر بزرگ، برو و آن وعظ را که من به تو خواهم گفت به ایشان ندا کن.» ۳ آنگاه یونس برخاسته، برحسب فرمان خداوند به نینوا رفت. و نینوا بسیار بزرگ بود که مسافت سه روز داشت. ۴ و یونس به مسافت یک روز داخل شهر شده، به ندادکردن شروع نمود و گفت: «بعد از چهل روز نینوا سرنگون خواهد شد.» ۵ و مردمان نینوا به خدا ایمان آوردند و همگی روزه گرفته، از بزرگ تا کوچک پلاس پوشیدند. ۶ و چون پادشاه نینوا از این امر اطلاع یافت، از کرسی خود برخاسته، ردای خود را از بر کند و پلاس پوشیده، بر خاکستر نشست. ۷ و پادشاه و اکابرش فرمان دادند تا در نینوا ندا در دادند و امر فرموده، گفتند که «مردمان و بهایم و گاوان و گوسفندان چیزی نخورند و نچرند و آب ننوشند. ۸ و مردمان و بهایم به پلاس پوشیده شوند و نزد خدا به‌شدت استغاثه نمایند و هرکس از راه بد خود و از ظلمی که در دست اوست بازگشت نماید. ۹ کیست بداند که شاید خدا برگشته، پشیمان شود و از حدت خشم خود رجوع نماید تا هلاک نشویم؟» ۱۰ پس چون خدا اعمال ایشان را دید که از راه زشت خود بازگشت نمودند، آنگاه خدا از بلایی که گفته بود به ایشان برساند پشیمان گردید و آن را به عمل نیاورد. [۶]

بنابراین تحقق پیشگویی وابسته به عوامل خاصی است؛ اما اگر محقق شد، مؤیدی بر دعوت فرستاده‌ای است که با ارکان ثابت آمده است.

۱. تنبیه، باب ۱۸.
۲. تفسیر کتاب مقدس کاتولیک توسط جورج هیداک، تفسیر تنبیه، باب ۱۸، آیه ۲۲.
۳. ویلیام مک‌دونالد، تفسیر کتاب مقدس برای ایمان‌داران، تفسیر تنبیه، باب ۱۸، آیات ۲۰ تا ۲۲.
۴. ارمیا، باب ۲۸.
۵. دوم پادشاهان، باب ۲۰.
۶. یونس، باب ۳.

می‌گوییم اگر پیشگویی توسط فرستادهٔ خدا اعلام شود و تحقق یابد، می‌تواند به‌عنوان دلیلی در کنار ارکان سه‌گانه قرار گیرد که تأیید‌کنندهٔ حقانیت اوست؛ اما این پیشگویی‌ها که توسط فرستاده و از سوی خدا بیان می‌شود، وابسته به عواملی است که بر تحقق آن تأثیرگذار است؛ مانند دعا یا اعمالی که انسان آن را انجام می‌دهد.



در عهد قدیم می‌خوانیم:

۱) در آن ایام، جزّ قیا بیمار و مشرف به موت شد. و اشعیا بن آموص نبی نزد وی آمده، او را گفت: «خداوند چنین می‌گوید: تدارک خانهٔ خود را ببین؛ زیرا که می‌میری و زنده نخواهی ماند.» ۲ آنگاه او روی خود را به‌سوی دیوار برگردانید و نزد خداوند دعا نموده، گفت: ۳ ای خداوند مسئلت اینکه به یاد آوری که چگونه به حضور تو به امانت و به دل کامل سلوک نموده‌ام و آنچه در نظر تو پسند بوده است، به‌جا آورده‌ام.» پس جزّ قیا زارزار بگریست. ۴ و واقع شد قبل از آنکه اشعیا از وسط شهر بیرون رود، که کلام خداوند بر وی نازل شده، گفت: ۵ «برگرد و به پیشوای قوم من، جزّ قیا بگو: خدای پدرت داوود چنین می‌گوید: دعای تو را شنیدم و اشک‌های تو را دیدم. اینک تو را شفا خواهم داد و در روز سوم به خانهٔ خداوند داخل خواهی شد. ۶ و من بر روزهای تو پانزده سال خواهم افزود و تو را و این شهر را از دست پادشاه آشور خواهم رهانید،

تحقق پیشگویی‌های یک مدعی، یکی دیگر از راه‌هایی است که در کنار ارکان سه‌گانه، مؤید و تأیید‌کنندهٔ حقانیت اوست و نشان می‌دهد که با خدا ارتباط دارد.

در تورات می‌خوانیم:

(۲۰ و اما نبی‌ای که جسارت نموده، به اسم من سخن گوید که به گفتنش امر نفرودم، یا به اسم خدایان غیر سخن گوید، آن نبی البته کشته شود. ۲۱ و اگر در دل خود گویی: سخنی را که خداوند نگفته است، چگونه تشخیص دهیم. ۲۲ هنگامی که نبی به اسم خداوند سخن گوید، اگر آن چیز واقع نشود و به انجام نرسد، این امری است که خداوند نگفته است؛ بلکه آن نبی آن را از روی تکبر گفته است. پس از او نترس). [۱]

در تفسیر کتاب مقدس کاتولیک جورج هیداک، این سخن آورده شده است:

«اگرچه انجام آنچه پیش‌بینی شده است یک نشانهٔ مطمئن از پیشگویی واقعی نیست (فصل ۱۳: ۲)؛ اما وقتی آن چیزی که نبی از آن بدون قیدوشرط سخن گفته است رخ نمی‌دهد، او بدون شک باید رد شود؛ همچنین هنگامی که او به‌نام خدایان دروغین سخن می‌گوید، پس هیچ معجزه‌ای نمی‌تواند اعتبار او را اثبات کند. پیشگویی یونس و بسیاری از نبوت‌های دیگر مشروط بود. (کالمت)». [۲]

همچنین در تفسیر مک‌دونالد می‌خوانیم:

«انبیای دروغین را از چند طریق می‌توان تشخیص داد. قبلاً چنین یاد گرفتیم که اگر آن‌ها مردم را از پرستش خدای حقیقی دور کنند، نبی دروغین هستند (۱۳: ۱ تا ۵) اما در اینجا روش دیگری برای تشخیص وجود دارد: اگر پیشگویی او واقع نشد، آن نبی باید به مرگ سپرده شود و هیچ‌کس نباید از لعنت او بترسد». [۳]

همچنین به آنچه در ارمیا آمده است، توجه کنید:

۹) [ارمیای نبی گفت:] اما آن نبی‌ای که به سلامتی نبوت کند، اگر کلام آن نبی واقع شود، آنگاه آن نبی معروف خواهد شد که خداوند در حقیقت او را فرستاده است.» [...] ۱۵ آنگاه ارمیا نبی به حننای نبی گفت: «ای حننیا، بشنو! خداوند تو را نفرستاده است؛ بلکه تو این قوم را وامی‌داری که به دروغ توکل نمایند. ۱۶ بنابراین خداوند چنین می‌گوید: اینک من تو را از روی این زمین دور می‌اندازم و تو امسال خواهی مرد؛ زیرا که سخنان فتنه‌انگیز به ضد خداوند گفتی.» ۱۷ پس در ماه هفتم همان سال حننای نبی مرد. [۴]

احکام از نماز جماعت

پرسش:

سلام علیکم. امام جماعت در رکوع است و فردی می‌خواهد با او نماز جماعت بخواند. آیا گفتن ۸ تکبیر بر او واجب است یا خیر؟ ۷ تکبیرة الاحرام و ۱ تکبیر، پیش از رکوع؟ و اگر ۸ تکبیر بگوید، امکان دارد که به رکوع نرسد. چه کاری انجام دهد؟ ممنون.

پرسش:

اگر کسی پیش از رکوع رکعت سوم به امام ملحق شود، آیا واجب است منتظر رکوع امام شود و سپس ملحق گردد، یا تکبیر بگوید حتی اگر می‌داند زمان کافی برای قرائت حمد و سوره در اختیار ندارد؟

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمين

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً
«اگر مأموم (به محل نماز) وارد شود و امام جماعت در حالت رکوع بود و بترسد که جماعت را از دست دهد، می‌تواند رکوع کند و در حال رکوع راه برود تا به صف نماز برسد.» (احکام نورانی اسلام، ج ۱، ص ۱۹۹)
همچنین: تکبیر، برای رکوع واجب است؛ و نیز انسان می‌تواند یک تکبیر به نیت ۷ تکبیر بگوید و یک تکبیر برای رکوع بگوید و با امام وارد نماز شود.
(لُجْنَه و گروه فقهی، ۱۰ ذوالقعدة ۱۴۳۸ق)

پاسخ:

منتظر ماندن برای رکوع امام بر او واجب نیست.

(پاسخ‌های فقهی (نماز)، پرسش ۱۴۸)

منابع رسمی دعوت مبارک یمانیت موعود، سید احمد الحسن

سایت مؤسسه وارثین ملکوت

VARESIN.ORG

ارتباط با ما

@ZAMANE_ZOHOUR

صفحه رسمی فیس‌بوک سید احمد الحسن

/AHMED.ALHASAN.10313

سایت رسمی فارسی

ALMAHDYOON.CO

سایت هفته‌نامه زمان ظهور

ZAMANEZOHOOR.COM

کانال تلگرام هفته‌نامه زمان ظهور

@ZAMAN_ZOHOUR